

# روش کسب لذت از کتاب مقدس

۱..... مقدمه

۲..... بخش اول

۵..... بخش دوم

۸..... بخش سوم

در مدت دو سال تحصیلم در دانشکده حکمت الهی پرینستن لذیذترین خوراک روحانی خود را در ساعاتی دریافت کردم که تحت تدریس پروفیسور ه. ت. کیست تحصیل می نمودم. تخصص دکتر کیست در فن تحصیل کتاب مقدس است و بدون اغراق می توان گفت که مهارت نامبرده در این فن به حد نبوغ رسیده است. پروفیسور کیست در این کتابچه روش عملی و ساده ای می آموزند که به کار بردن آن باعث تقویت بصیرت، رشد قوای فکری و پرورش روح می گردد، ولی مهم ترین نتیجه مطالعه این کتابچه تولید علاقه بیشتری برای تحصیل کتاب مقدس است، نه فقط مطالعه این کتابچه و پیروی از این روش تولید لذت و علاقه بیشتری برای مطالعه کتاب مقدس در خود مترجم نموده، بلکه به هر شخص یا دسته ای که این روش را آموخته است همین لذت و علاقه نیز دست داده است، لذا با اتکای تجربه شخصی این کتابچه را به تمام برادران و خواهران مسیحی خود توصیه نموده امیدوارم با تحصیل دقیق این چند صفحه هم به تنهایی و هم به صورت جمعی باب لذت کتاب مقدس، آن گنج نهفته ما بر عده بیشتری از خوانندگان گشاده شود.

اگرچه کتاب مقدس منشأ لذت است، ولی خیلی‌ها از مطالعه آن لذت نمی‌برند. اغلب مسیحیان نه از مطالعه کتاب مقدس لذت می‌برند و نه از آن استفاده می‌کنند. چطور است که مطالعه خصوصی کتاب مقدس معمولاً با لذت و افکار دلپسند توأم نیست؟

### مطالعه شانسی

آیا حقیقت امر این نیست که در مورد بسیاری از مسیحیان مطالعه کتاب مقدس شانسی است. بدین معنی که چشمشان را می‌بندند و کتاب را به شانس باز می‌کنند و هر جا که باز شد چند سطر از آن می‌خوانند در نتیجه حتی اغلب همان اطلاعات بسیار مختصری را هم که بعضی‌ها از کتاب مقدس دارند مشتمل است بر آیات مختلفی که گاهی اوقات به غلط آموخته و یا اگر هم به درست آموخته باشند آیه مزبور به کلی از مطلبی که آن آیه جزو شده مجزا شده است. نتیجه به خاطر سپردن آیات یا مطالب پراکنده و غیرمربوط فقدان رابطه بین مطالب به خاطر سپرده و محرومیت از لذتی است که از به خاطر سپردن مطالب مربوط عاید شخص می‌گردد. بدین مناسبت حقایق نیروبخش این شاه کتاب، نیروی حقیقت را از دست داده و به قول یکی از دانشمندان «این قبیل حقایق در خوابگاه روح علیل و بستری در جوار حقیرترین و دورافتاده‌ترین خطاها جا می‌گیرند».

### مطالعه غیرمستقیم

عده دیگری مطالعه غیرمستقیم (یا دست دوم) کتاب مقدس را ترجیح می‌دهند. بدین معنی که مستقیماً به خود کتاب مقدس مراجعه ننموده، بلکه از کتبی که درباره کتاب مقدس نوشته شده‌اند استفاده می‌کنند و بدین ترتیب متاع به این گرانمایی را مستعمل و از دست دوم می‌خرند نه تازه و از دست اول. تعداد تفسیرها و کتب مفید دیگر راجع به کتاب مقدس به قدری است که وقتی کسی می‌خواهد در امور روحانی مطالعه بکند اولین سؤالش این است که آیا تفسیری برای فلان بخش از کتاب مقدس نوشته شده است که من بتوانم از آن استفاده کنم؟ چرا نباید شخص مسیحی از متاع نو لذت برده یا این آب را از سرچشمه‌اش بنوشد؟ آن وقت سر فرصت می‌تواند آنچه را که خود یافته با آنچه را که دیگران ادعا می‌کنند یافته‌اند مقایسه نماید. این روش هم مسرت شخص را از اکتشافی که خودش کرده می‌فزاید و هم حس قدردانی برای اکتشافات دیگران در وی تولید می‌نماید. در این روش سود بر لذت افزوده می‌شود، زیرا به طوری که شکسپیر می‌گوید: «جایی که هیچ لذت نیست هیچ سود نیست».

### نظرگاه در مطالعه

ولی مثل اینکه دلیل مهم‌تر دیگری هست برای اینکه عده بیشتری در کتاب مقدس لذت مطالعه نمی‌یابند. آیا دلیلش این نیست که آنها در مطالعه کتاب مقدس بر نظرگاه غلطی می‌ایستند؟ چقدر طبیعی است که وقتی که کتاب مقدس را باز می‌کنیم احساس کنیم که ما باید کاری با آن بکنیم. طرح آن را بکشیم، از آن پشتیبانی کنیم و یا از آن انتقاد کنیم. اتحاد این رویه نسبت به هر کتابی قطعاً غلط است، زیرا کتب به منزله پنجره‌هایی هستند که ما از آنها به زندگی می‌نگریم. کتب هرگز در خودی خود مقصد نهایی نبوده، بلکه وسایلی هستند که زندگی را در اقسام مختلفش به ما ارائه می‌دهند. ما به طرف پنجره رفته پرده را باز می‌کنیم و آنچه که در خارج رخ می‌دهد مشاهده می‌نماییم. ما در آنچه که در خارج می‌بینیم نفوذ نمی‌کنیم، بلکه آنچه که از خارج به ما فاش می‌شود ممکن است در ما نفوذ نماید. کتاب خوب نور را به داخل فکر هدایت می‌کند و روح را تهویه می‌نماید.

پس آنچه که ما به کتاب می‌کنیم اهمیت ندارد، بلکه آنچه کتاب به ما می‌کند مهم است. این حقیقت در موسیقی هم صدق می‌کند. ما به آهنگی گوش می‌دهیم نه برای اینکه آن را اصلاح کنیم، بلکه تا آن ما را اصلاح کند. درست به همان اندازه‌ای که خودمان را به موسیقی تسلیم می‌کنیم به همان اندازه از آن لذت می‌بریم. موسیقی معروف طوری ساخته شده است تا علاقه ما را به هماهنگی باطنی تسکین دهد. طرح آن موقعی درک می‌شود که ما خود را در معرض جذابیتش قرار دهیم. در مورد کسب لذت از نقاشی هم همین رویه را می‌شود مثال زد. ما در برابر تابلوهای معروف قرار می‌گیریم تا نه اینکه ببینیم ما چه می‌توانیم با آنها بکنیم، بلکه تا آنها به ما چه می‌توانند بکنند. نقاشی استادان

قدیم شامل قدرت آنهاست در سیر کردن گرسنگی باطنی ما برای زیبایی. پس برای اینکه از تابلوهای آنها لذت ببریم ما باید تعلیم پذیر باشیم. همچنین است در مورد لذت ما از مطالعه کتاب مقدس. پولس رسول می‌فرماید کتاب مقدس... قادر است. کتاب مقدس قدرتی خارج می‌کند که مختص خودش است. کتاب مقدس طوری طرح شده تا گرسنگی انسان را برای معرفت حقیقی خدا و درک مقصد خودش در زندگی‌اش تسکین دهد. وقتی کتاب مقدس عمل خود را انجام می‌دهد که در ما تأثیر کرده باشد. د. ب. ماکدونالد می‌گوید: «ما باید کتاب مقدس را بخوانیم نه به مقصود و منظور متقاعد شدن، بلکه فقط به منظور تأثیر هر قسمت از آن بر ما.»

### چند مثال از این روش

حالا تأثیر این روش را بر خواننده در مورد بعضی از قسمت‌های معروف کتاب مقدس ملاحظه فرمایید. مثلاً چطور است که ما خیلی دوست داریم مزمور (۲۳) را بخوانیم و یا تکرارش کنیم؟ چه چیز است که آن را محبوب همه می‌گرداند؟ آیا برای احساساتی که در باطن ما تحریک می‌کند نیست؟ آیا برای این نیست که ایمان ما را در شبان اعظم تقویت می‌نماید؟ یا حزقیال (۳۴) را که می‌خوانیم هر چند منظره‌ای را که این فصل به ما معرفی می‌کند خیلی پیچیده‌تر از آن است که در مزمور (۲۳) می‌بینیم، ولی وقتی که این فصل را می‌خوانیم آیا با شخصیت برجسته‌ای مواجه نمی‌شویم که با وجود آنچه که هستیم خودمان را تحت تسلط او قرار می‌دهیم؟ از چه لحاظ این عکس‌العمل نظیر یا مخالف تأثیری است که از خواندن یا تکرار مزمور شبان (مزمور ۲۳) عارض ما می‌گردد. حالا به یوحنا (۱۰) مراجعه می‌کنیم. همان چهره برجسته در نظر ما مجسم می‌شود منتهی در محیط دیگری. در این مورد خود شبان صحبت می‌کند. چقدر این شبان اعظم به این قبیل عبارات عهد عتیق افتخار می‌کرد. چقدر این عبارات باید باعث افتخار ما باشد. این قطعات نمونه‌های عالی هستند از اینکه چگونه کتاب مقدس برای ما بسیار جالب می‌گردد وقتی که فقط به منظور تأثیر آن بر خودمان آن را می‌خوانیم، اما ممکن است سؤال کنیم آیا این درباره خواندن کلیه کتاب مقدس صدق می‌کند؟ جاذبیت تمام قطعات کتاب مقدس بر ما یکسان نیست پس با آنها چه معامله‌ای باید بکنیم؟

### خواندن عبارات مبهم

جای بسی تعجب است که وقتی این روش را به کار می‌بریم قطعات بسیار مبهم خیلی واضح می‌شوند. یکی از نویسندگان می‌گوید: «وقتی که برای اولین دفعه به قطعه شعری برمی‌خورم که مشکل به نظرم می‌رسد با تشکر برای آنچه که مفهوم می‌گردد یک دفعه آن را تا آخر می‌خوانم. وقتی که از آخر شعر به عقب نگاه می‌کنم و به طور کلی راهنمایی را می‌بینم که در ابتدا اشاره به آنها به نظرم غیرممکن می‌رسید و خیلی لذت می‌برم.» گاهی هر چند نه همیشه، همین مقصود کلی است که به شدت توجه ما را به سوی خود جلب می‌کند. گاهی هم همین مقصود کلی قطعات مبهم دیگری را برای ما واضح می‌کند و بدین وسیله خاطره فراموش نشدنی در ما باقی می‌گذارد. با وجود پیچیدگی جزئیات فصل‌هایی از کتاب مقدس مانند اشعیا ۴۰ و ۵۳، لوقا ۱۵، اول قرنتیان ۱۳ و ۱۵ ما از اول تا آخر این فصل‌ها را می‌خوانیم بدون اینکه روی جزئیات پیچیده آن معطل شویم، زیرا مطلب اصلی آنها کم و بیش برای ما واضح هستند. هر دفعه که آن را می‌خوانیم یا بعضی قطعات مبهم قبلی برای ما مبرهن می‌گردند و یا روابطی را که این قطعات با هم داشته‌اند و ما قبلاً متوجه آنها نشده بودیم به نظر ما می‌رسند. بهتر است هر کس همین روش را برای خودش پیش گیرد. بیایید کاملاً نسبت به خودمان آزاد و روباز باشیم. هر چه بیشتر ما خودمان را در اختیار کتاب مقدس بگذاریم کتاب مقدس بیشتر از خودش به ما خواهد داد.

### مهارت دانیال و بستر

این نویسنده معروف وقتی که جوان بود جلوی ویتترین دکان‌های بزرگ می‌ایستاد و تا مدتی به اشیایی که در ویتترین‌ها بودند نگاه می‌کرد آن وقت پی‌کارش می‌رفت و در ضمن سعی می‌کرد هر چه می‌توانست از اشیایی را که در ویتترین دیده به خاطر بیاورد. وقتی که اول این کار را شروع کرد خیلی کم از آنها را می‌توانست به یاد بیاورد، ولی این تمرین را ادامه داد و کم کم قوه مشاهده‌اش ترقی کرد و بیشتر و بیشتر از اشیا را می‌توانست به خاطر بسپارد تا بالاخره به جایی رسید که فقط یک نگاه دقیق کافی بود که بدون استثنا تمام اشیایی را که در هر پنجره‌ای می‌دید به خاطر بسپارد. او قوه مشاهده‌اش را تا حدی نمو داده بود که می‌توانست با یک نظر اجزای مختلفی را در یک طرح کلی مشاهده و درک کند. کیست که نتواند حتی با مهارت خیلی کمتر از این هم پنجره قابلیت خود را برای درک حقایق الهی در کتاب مقدس بگشاید. این مهارت را با خواندن مطالب کامل تمرین کنید نه با مطالعه شانسی و یا با حفظ کردن آیات غیرمربوط. بیشتر وقتتان را صرف مطالعه خود کتاب مقدس کنید نه صرف خواندن کتاب‌هایی راجع به کتاب مقدس.

گوشتان به ندای الهی باشد. بیایید به کتاب مقدس مراجعه کنید نه به منظور اینکه ببینید شما چه تأثیری می‌توانید در آن بنمایید، بلکه تا ببینید آن با شما چه می‌تواند بکند و با این روش پاداش کتاب مقدس برای شما روزافزون خواهد شد.

نه آنچه که ما به کتاب مقدس می‌کنیم، بلکه آنچه که کتاب مقدس به ما می‌کند، حقیقتاً که توجه به کتاب مقدس از این نظرگاه تا چه اندازه در درک لذت ما از مطالعه آن تفاوت تولید می‌کند و همچنان که گفته شد آیا این همان روشی نیست که به وسیله آن از هر شاهکاری می‌توان لذت برد؟ منظور ما از ایستادن در برابر شاهکارهای صنعت و زیبایی این نیست که ما آن را اصلاح کنیم، بلکه تا آنها ما را اصلاح نمایند. این روش مشفقانه توأم با علاقه شخصی و این تمایل به آموختن روش دوستدار آموزش است که پذیرش نامیده می‌شود. در مثل برزگر (که حقیقتاً مثل چهار مزرعه است) عیسای مسیح اهمیت این روش بسیار مهم را تعلیم می‌دهد. مثل این است که گفته باشد بارآوری بذر منوط است به وضعیت مزرعه «پس باید احتیاط کنید چگونه می‌شنوید»، ولی سؤال اساسی در تمام آموختنی‌ها این است: «شخص چگونه باید بشنود؟»

یکی از معلمین یهود که در زمان عیسای مسیح می‌زیسته تمام آموزگاران را به چهار دسته تقسیم کرده و مشخصات آنان را اینطور بیان می‌کند:

دسته اسفنج که همه چیز را چه بد و چه خوب و چه متوسط باشد بدون تبعیض جذب می‌کند.  
دسته قیف که به همان سرعتی که دریافت می‌کنند به همان سرعت نیز از دست می‌دهند (از یک گوش می‌شنوند و از گوش دیگر به در می‌کنند).

دسته صافی که مثل‌ها و حکایات شیرین آن را نگه می‌دارند، ولی مطلب را از دست می‌دهند.  
دسته غربال که کاه را رد می‌کنند، ولی گندم طلایی را نگه می‌دارند. به طوری که ملاحظه می‌شود این هم راه دیگری است برای بیان اهمیت پذیرش. پس احتیاط کنید چگونه می‌شنوید، حال ما چگونه قوای پذیرش خود را آماده کنیم.

### آماده نمودن قوای پذیرش خود

یکی از شنوندگان رادیو به یکی از منتقدین معروف موسیقی در آمریکا نوشت: «هر چند موسیقی جدید مرا معذب می‌کند معذباً من یقین می‌دانم که قطعاً نکات جذابی باید در آن باشد وگرنه نوازندگان آن را نمی‌نواختند. آیا شما می‌توانید دستورات ساده‌ای به من بدهید تا راه شنیدن موسیقی‌های جدید را بیاموزم؟ ضمن پاسخ منتقد مزبور به او نوشت: «در هر قطعه موسیقی جذابیت چهار اصل موجود است: آهنگ که نقشه آن است. هماهنگی که رنگ آن است. توازن که تناسب آن است و وضع که طرح آن است. گوش‌تان به اینها باشد.» اقلاً در اینجا دستور ساده‌ای است برای تشخیص قوه پذیرش. وقتی که شنونده توجه خود را در مشخصات معینی تمرکز می‌دهد حتی موسیقی گیج‌کننده جدید هم لذت‌بخش می‌گردد. همین روش ساده درمورد ادبیات هم صدق می‌کند. مخصوصاً درمورد فهم و درک لذت آن ادبیاتی که کتاب مقدسش می‌نامیم. این کار متضمن تغییر شخص است از روش اسفنجی که بدون ملاحظه همه چیز را جذب می‌کند به روش غربالی که مطالب مفید و لازم را جدا کرده می‌پذیرد.

### محتویات، طرح و معنی

از همان روزی که توانستم بین محتویات و طرح و معنی تشخیص بدهم از مطالعه کتاب مقدس لذت تازه‌ای نصیب من گردید. مقصود از این تشخیص چیست؟ محتویات عبارت است از مجموعه چیزهایی که به نظر خواننده می‌رسد. به عبارت دیگر محتویات همان چیزهایی است که روی صفحات کتاب جلوی چشم خواننده قرار گرفته است که عبارت باشد از مجموعه کلمات فرازاها، جمله‌ها، فقره‌ها و... اما طرح چیست؟ طرح عبارت است از نقشه‌ای که محتویات در آن ارائه داده شده است. هر چیزی که گفته یا نوشته شود همیشه دارای رابطه‌ای است با چیز دیگری. هرگاه رابطه بین دو یا چند اظهار را نسبت به هم پیدا کنیم قطعاً اقلاً رابطه یکی از آن اظهارات را با مطلب کلی قطعه مورد مطالعه کشف خواهیم کرد، ولی طرح نباید با قالب اشتباه بشود. قالب فقط اسکلت محتویات است در صورتی که طرح شامل تمام مشخصات قطعه یا بخش است. وقتی فکر با سرعت انتقال و صحت، درک معنی قطعه‌ای را می‌نماید که همان طرحی را مصنف در اظهار آن به کار برده کشف کرده راه او را در پیش می‌گیرد.

به جای اینکه مثل اسفنج بدون ملاحظه هر چه را که می‌خواند جذب کرده خود را دچار اغتشاش و ابهام جزئیات

نماید چرا نباید خواننده توجه خود را در طریقه‌های اظهار مطلب متمرکز نموده و در پی روابط مخصوصی باشد که در قطعه مورد مطالعه ارائه داده شده است؟ یکی از نقاشان معروف چه خوش گفته است: «موسیقیدان با استقرار روابط مخصوصی بین نت‌ها آهنگ می‌سازد. شاعر با استقرار نظم و ترتیب مطبوعی بین افکار و کلمات شعر می‌سازد و همچنین نقاش با قرار دادن افکار و نقشه‌ها و رنگها تحت نظم و ترتیب مطبوعی تابلو می‌سازد. او بدون اینکه مرتکب کوچکترین اشتباهی بشود می‌توانست به گفتار خود ادامه داده بگوید همین طور هم نویسنده افکار خود را به وسیله قرار دادن آن افکار و عقاید و توصیه‌ها تحت نظم و ترتیب مناسبی به خواننده ارائه می‌دهد. این نظم و ترتیب مقرر همان طرح است.

### مشاهده روابط اساسی

نویسنده برای قالب‌ریزی نقشه آنچه که می‌نویسد چه آلائی به کار می‌برد؟ معمولی‌ترین این آلات عبارتند از: مقابله، مقایسه، تکرار، علت و معلول و وسیله نیل به مقصود. البته آلات دیگر نیز هست. هر یک از این آلات علائم مخصوصی دارند. مثلاً (۱) علامت مقابله اما، ولی، لیکن و در عوض و امثال آنهاست. مقابله به وسیله ذکر استعارات متضاد مشخصات اخلاقی و اصطلاحات رنگارنگ نیز ابراز می‌گردد. (۲) مقایسه عبارت است از دو چیز مترادف به وسیله اصطلاحاتی مانند همچنین، و، و امثال آنها. گاهی به منظور توضیح و تعبیر مطالب شبیه به هم قوه تصور یا مثل نیز به کار برده می‌شود. (۳) تکرار اصطلاح یا نام شخص یا نام محل و یا هر اظهار دیگری همیشه علامت تأکید است و تأکید وسیله‌ای است که منصف به آن متشبث می‌شود تا توجه خواننده را به نقطه مخصوصی از طرح خود که افکارش در آن تمرکز یافته است جلب نماید. (۴) علائم ذکر علت و معلول عبارتند از بنابراین، در نتیجه و مثل آنها. هر اصطلاحی که از نتیجه ناشی می‌شود همیشه دلیل بر دعوت خواننده است به اینکه به عقب برگشته متوجه مدارجی که نویسنده را به آن نتیجه رسانیده است بنماید. (۵) علائم مخصوص وسیله نیل به مقصود نیز عبارتند از تا، زیرا و امثال آنها.

پس پذیرش عبارت از این است که شخص دنده فکر خود را به دنده آلات مزبور بیندازد. در این حالت فکر خواننده از مدارج، رنگ، نقشه و مقصد و فکر نویسنده پیروی می‌کند و یا به عبارت دیگر مقصود از پذیرش کشف مقصود نویسنده برای خواننده است به کمک طرحی که به وسیله آن منصف مطلب خود را پرورانیده است، ولی در چه نقطه‌ای فکر خواننده با فکر نویسنده دنده به دنده می‌فتد؟ در همان لحظه‌ای که فقط یکی از روابط اصلی قطعه‌ای کشف می‌شود این عمل دنده به دنده افتادن صورت می‌گیرد. هر قدر فکر خود را بیشتر به کار کشف و روابط معطوف کنیم طرح کلی زودتر و واضح‌تر مکشوف می‌گردد. هر رابطه‌ای که کشف می‌شود سبب توضیح و کشف رابطه دیگری می‌گردد تا عاقبت نقشه اصلی قطعه مورد مطالعه روشن و واضح می‌شود.

### تمرین پذیرش

این روش را چگونه می‌توان به موقع به مرحله اجرا گذاشت؟ خواننده علاقه‌مند بهتر است آزمایش این روش را با یکی از معروفترین گفتار کتاب مقدس آغاز نماید مثلاً با آیه طلایی (متی ۷: ۱۲). این آیه اغلب اینطور ناقص نقل قول می‌شود: «آنچه خواهید مردم به شما کنند شما نیز بدیشان همچنان کنید». نقصش این است که در این نقل قول کلمه «لهذا» که علامت ارتباط این آیه با آیات اطراف آن است حذف شده است. در حقیقت این آیه را باید اینطور نقل قول کرد «لهذا آنچه خواهید...» حالا در جستجوی طرح فکر نویسنده در بخش وسیع‌تری که آیه طلایی جزو آن است باشید. کلمه «لهذا» در آیه (۱۲) به چه چیز در آیه قبلی اشاره می‌کند و کلمه «آنچه» در آیه (۱۲) به چه چیز در آیه (۱۱) مربوط است؟ چقدر آیه طلایی که مربوط است به رابطه انسان با انسان برافراشته و پرمعنی‌تر می‌گردد وقتی که ارتباط حقیقی آن با قانون طلایی که مربوط است به رابطه خدا با انسان بر ما مکشوف می‌گردد و همچنین چقدر تأکیدی که عیسای مسیح در کلمات «زیرا این است تورات و صحف انبیا» می‌کند از دریچه مطلب کلی که از آیه (۷) شروع می‌شود واضح‌تر مشاهده می‌گردد.

نمونه‌های دیگری از همین مثال در نقاط مختلف وعظ بالای کوه پراکنده هست که می‌توان با آنها تمرین نمود. مثلاً در متی رابطه متی ۵: ۴۸، ۶: ۲ و ۲۳، ۷: ۲۰ و ۲۴ را که با کلمه «پس» یا نظایر آن آغاز می‌گردند با آیات بلافاصله اطراف خودشان مورد مطالعه قرار بدهید. این رابطه چطور مقصود مسیح را در هر مورد صریح‌تر نشان می‌دهد؟ یا متی ۶: ۳، ۶ و ۱۷ را به ترتیب مورد تحقیق قرار دهید. با رابطه‌ای که بین «لیکن تو» هایی که در ابتدای هر یک از این آیات به کار برده شده و یک اصطلاحی که در هر سه آیه (۲ و ۵ و ۱۶) تکرار شده برقرار است، چه تأکیدی کشف



می‌شود؟ مخصوصاً درک رابطه «همچنین» و بقیه آیه ۱۶ از فصل ۵ با آیه ۱۵ معنی آن را واضح‌تر می‌کند این روش مطالعه دقیق از هر قسمت کتاب مقدس باشد لذت‌بخش و روح‌افزاست. اگر باور ندارید امتحان کنید. ابتدا علائمی در اظهارات به کرا برده شده را پیدا کنید. سپس رابطه حقیقی اظهارات مخصوصی را که علائم بدانها اشاره می‌کنند با آیات اطرافشان پیدا کنید. در حینی که روابط اصلی قطعات مختلف مکشوف می‌شوند رسیدگی با حوصله و مراقبت دقیق باعث افزایش قوه شناسایی معنی حقیقی می‌گردد. فقط بعد از آنکه تمام قوای پذیرش خود را در معرض استفاده آنچه که می‌خوانید گذاشته‌اید برای تفسیر قطعات مشکل از منابع دیگر کمک بگیرید.

### از ابهام تا وضوح

وقتی که در برابر شاهکار صنعتی معروفی ایستاده‌ایم به طور کلی اولین عکس‌العملی که در ما تولید می‌شود این است که شاهکار مزبور مبهم به نظر می‌رسد، ولی این ابهام دوامی ندارد، زیرا وقتی که با چشمان بصیرت به طرح آن پی می‌بریم شاهکار مزبور واضح و روشن به نظر می‌رسد. هر قدر بیشتر با دقت و بصیرت به آن می‌نگریم ابتدا شاهکار صنعتی آن بر ما مکشوف می‌شود و سپس اسرار زیبایی آن مکشوف و بالاخره اشعه درخشانی تمام مشکلات و ابهام آن را زائل کرده شاهکار مزبور واضح و زیبا و دلپذیر در نظر ما مجسم می‌گردد. یکی از صفات مشخص کتاب مقدس که آن را شاهکار بی‌نظیری می‌گرداند وضوح پیغام آن است و کشف این وضوح مستلزم دارا بودن بیداری روحانی است، زیرا قطعاً باید بین مقصود و عضوی که این مقصود خود را بر آن مکشوف می‌سازد رابطه محکمی برقرار باشد. کالوین پیشوای کلیسای پروتستان کتاب مقدس را به عینک روحانی تشبیه می‌کند، ولی می‌گوید برای اینکه چشمان پشت این عینک دارای بینایی روحانی باشند شهادت روح لازم است. کالوین هم می‌خواهد به این وسیله برساند که کسی که می‌خواهد آنچه که از پشت این عینک روحانی می‌بیند در باطن وی رسوخ نموده بخشی از زندگی روزانه‌اش گردد باید دارای بیداری روحانی جلی باشد. بنابراین در عین حالی که شخص مشغول تمرین قوای پذیرش خود می‌باشد تا از مطالعه کتاب مقدس لذت واقعی را ببرد بهتر است این دعا را بکند:

بصیرت بخش و بینایی عطا کن  
خداوندا توانایی عطا کن

خداوندا به چشمان ضعیفم  
برای دیدن تو در کلامت

قوه تشخیص بهترین نکات در ادبیات، کاملاً منوط به حالتی است که فکر شخص در آن است. تاکنون ما دو تا از مشخصات این حالت را تحت مطالعه قرار داده‌ایم. این دو که در لذت بردن از مطالعه کتاب مقدس دخالت دارند عبارتند از مواظب بودن و آگاه بودن. حالا یکی از مشخصات دیگر این حالت را مورد مطالعه قرار می‌دهیم.

### مخبر و خواننده

خواننده هر کتابی می‌تواند از فن مخبری نکات زیادی بیاموزد، زیرا مخبری هم مانند کتاب خواندن خود فنی است. هر مخبر تحصیلکرده‌ای می‌داند که ممکن نیست در واقع‌ای گزارش کاملی از تمام حقایق مربوطه داد. گذشته از آن چنین گزارشی نه لازم است و نه پسندیده، زیرا چه کسی وقت یا حوصله خواهد داشت چنین گزارش جامعی را با جزئیاتش بخواند؟ مخبر می‌داند که خواننده فقط تا جایی از وی متابعت خواهد نمود که او بتواند علاقه‌اش را جذب کند. برای نیل به این منظور مخبر باید تصمیم بگیرد چه نکاتی را باید تأکید نموده یا بسط دهد و یا کدام نکاتی را باید منحصرأ ذکر نموده رد شود. شکست یا موفقیت مخبر بیشتر منوط به استعداد او در انتخاب یا حذف نکاتی که مقصودش را به بهترین وجه می‌پروراند. اگر سردبیران روزنامه‌ها فقط می‌دانستند چه نکاتی را حذف کنند هر روزنامه‌ای به زیبایی شاهنامه یا گلستان می‌شد. همین اصل در هر کتابی که ارزش خواندن داشته باشد نیز صدق می‌کند. هر کتابی نتیجه یک رشته مطالب انتخابی است، چون همه چیز را نمی‌شود ذکر کرد کار نویسنده است که تصمیم بگیرد چه نکاتی را صلاح است در کتابش بگذارد و چه نکاتی را حذف نماید. این تصمیم بر چه اساسی گرفته می‌شود؟ همان عاملی که در حذف و انتخاب یا تأکید و چشم‌پوشی مؤثر است نظرگاه مصنف نامیده می‌شود.

### نظرگاه مصنف

قضاوت منصفانه موقعی میسر است که از نظرگاه مصنف به عمل آید. آیا صحت این حقیقت که هر کتابی نتیجه انتخاب و تأکید مطالبی است به وسیله مصنف آن نشانه گرانمایی برای خواننده کتاب نیست؟ خواننده‌ای که قوه مشخصه خوبی داشته باشد سعی می‌کند کشف کند که چگونه مصنف بعضی از مطالبش را ترتیب داده و چرا بعضی دیگر را بسط داده است. مطالبی را که می‌خواند فقط و فقط از این راه می‌تواند قضاوت کند. وقتی که با این رویه خود را در اختیار مصنف می‌گذارد می‌تواند تصمیم بگیرد که آیا با آنچه که خوانده است موافق است یا مخالف. پیروی از این روش در مطالعه مندرجات روحانی کتب مختلف کتاب مقدس چه تأثیری دارد؟ صرفه نظر از اختلاف عقیده راجع به الهامی بودن یا منشأ الهی آنها کی منکر آن است که این کتب به همین وضعیتی که حالا در کتاب مقدس قرار دارند تحت همان قوانین فکری که از مشخصات هر ادبیاتی می‌باشد تصنیف شده‌اند؟ حالا که این حقیقت مسلم است آیا همان قوانین فکری نیز نباید در خواندن و تفسیر آنها مراعات گردد؟ بدون تردید غفلت در مراعات این روش باعث تجربیات نامطبوعی در مطالعه کتاب مقدس شده است. آیا درست نیست که در مطالعه کتاب مقدس اغلب به جای اینکه پیرو افکار نویسنده باشند از تمايلات خودشان پیروی می‌کنند؟ آیا همین قبیل خواننده‌ها نیستند که انتظاراتی از کتاب مقدس دارند که در آن وجود ندارد؟

### استعمال علائم خواندن

رسم نویسندگان معاصر این است که برای خود مقدمه‌ای می‌نویسند که به توسط آن هم اعتماد خواننده را نسبت به خود جلب می‌نمایند و هم منظور خود را از تصنیف کتاب ابراز می‌کنند، اما اغلب از کتب کتاب مقدس دارای چنین مقدمه‌ای نیستند، زیرا این رسم در زمان قدیم معمول نبود. پس خواننده امروزی که سال‌ها از فراهم آوردن کتاب مقدس فاصله دارد چگونه می‌تواند چنین مطلب مهمی را کشف نماید؟ اگر هم خواننده کتاب مقدس فقط از روش مخبر پیروی نماید بر وی معلوم خواهد شد که بعضی اشارات در فکر انسان هستند که به وسیله آنها می‌توان به منظور گوینده پی برد. قطعا یک یا چند تا از این اشارات در هر سخنرانی یا نوشته‌ای یافت می‌شود که شنونده یا خواننده می‌تواند از وجود آنها استفاده کرده به مقصود نویسنده پی ببرد. گاهی این مهارت خواندن بین سطور نامیده می‌شود این اشارات کدامند؟

۱ - نظرگاه نویسنده ممکن است به وسیله تأکید به یک شخص مخصوص یا رابطه شخصی با شخص دیگر تعیین گردد.

۲ - ممکن است به وسیله یک مکان مخصوص یا تغییر مکان تعیین گردد.

۳ - ممکن است در انقضای یک مدت و یا در فاصله بین دو زمان که مفهوم قطعه مورد مطالعه را واضح تر می کند یافت شود.

۴ - ممکن است به انجام واقعه و یا رابطه چندین وقایع با یکدیگر مربوط باشد.

۵ - یا ممکن است به وسیله بسط عقیده مخصوصی و یا تسلسل چندین عقیده در قطعه مورد مطالعه معین شود.

با توجه به این امر انشا فقط آلتی است که برای مفهوم ساختن افکار شخصی برای شخصی دیگر تعبیه شده است. طرح‌هایی که دلالت بر طریقه پرورش افکار مصنف می‌کنند وقتی برای خواننده مشخص می‌گردند که با تکیه شخصی، تکیه مکانی، تکیه زمانی، تسلسل حوادث، بسط عقیده و یا علائم دیگری نظیر اینها مکشوف شوند. این علائم تقریباً نظیر همان سؤالاتی هستند که مخبر سعی می‌کند به آنها جواب بدهد مانند کی؟ کجا؟ چه؟ چگونه؟ چرا؟ با مراقبت به تأکید یا فروگذاری و تکیه یا حذف یکی یا بیشتر از این عوامل که در قطعه یا در کتابی مراعات شده فکر خواننده فوراً با فکر نویسنده دنده به دنده می‌افتند و خود را تحت تأثیر تغییرات فکر مصنف قرار می‌دهد. آن وقت آنچه که نویسنده می‌بیند خواننده هم مشاهده می‌کند. همان احساساتی که نویسنده دارد به خواننده هم دست می‌دهد و بالاخره خواننده از تجربیات نویسنده لذت می‌برد. در این وقت است که خواننده می‌تواند مفسر نویسنده بشود و درباره کار نویسنده قضاوت عاقلانه بنماید. با تمرین این روش هر خواننده‌ای در وهله اول قوه مشاهده‌اش را تقویت می‌نماید سپس در پرتو این روش مفعولی می‌تواند قضاوت کند.

اینها افزار ساده ولی مؤثری هستند که در اختیار خواننده گذاشته شده‌اند. اینها راه‌های مختلفی هستند برای خواندن کتاب مقدس چه یک فصل باشد و چه یک کتاب. هر کدام از این روش‌ها را ممکن است به معرض آزمایش قرار داده نتیجه‌اش را یادداشت نمود. ممکن است در همان دفعه اول پرده از روی قطعه مورد مطالعه برداشته شود همانطوری که کنار زدن پرده از جلوی پنجره منظره زیبایی را ظاهر می‌سازد، یا ممکن است چندین دفعه مطالعه لازم باشد که در هر دفعه یکی از علائم مطالعه مذکور به کار برده شود، ولی بالاخره همانطوری که هر قفل با کلید خودش باز می‌شود در موقع معین قطعه مورد مطالعه نیز گشوده خواهد شد، ولی خواننده از کجا بداند که آنچه کشف کرده است طرح نویسنده بوده و تمایلات خودش را بر نویسنده تحمیل نمی‌کند؟ جواب این سؤال را می‌توان در نمونه‌های زیر یافت.

### چند نمونه واقعی

انجیل مرقس تصویری‌ترین اناجیل چهارگانه است. خواننده با ملاحظه‌ای که مصمم باشد از علائم مطالعه موجوده در این کتاب استفاده نماید تقریباً هر جای آن را باز کند به نتیجه مطلوب خواهد رسید. مثلاً برای شروع مرقس ۲: ۱ - ۳، ۳: ۶ را در نظر بگیرید. (ولی چرا به جای توقف در آخر فصل دوم در آخر آیه ششم از فصل سوم توقف کنیم؟) حالا نظرگاه خود را مرقس ۳: ۶ قرار داده از آنجا به عقب نگاه کرده تکیه شخصی را تعقیب نمایید: چه کسی در آیات (۳: ۶، ۲: ۲۴، ۲: ۱۸ و ۱۹، ۲: ۱۶ و ۷) به مسیح اعتراض می‌کند؟ به عبارت دیگر فصل دوم تا ۳: ۶ ادامه پیدا می‌کند، زیرا تمام این قطعه تمرکز یافته است در رفتار کاتبان و فریسیان نسبت به مسیح. وقایع منتخبه‌ای که در اینجا مذکور است به منظور نشان دادن شدت روزافزون عداوت پیشوایان یهود زمان مسیح است نسبت به او و ذکر دلائل این عداوت. حالا خواننده می‌تواند این قطعه را با به کار بردن علائم دیگر مطالعه کند مثلاً کجا؟ کی؟ چه؟ چرا؟ جواب تمام این سؤال‌ها ما را به یک سو می‌کشانند. تمام آنها یک مطلب را می‌پرورانند.

خواننده از این به بعد می‌داند به فکر نویسنده رسیده است که تمام این علائم مطالعه یکدیگر را تأیید می‌کنند. این علائم چه چیز را تأیید می‌کند؟ حالا با توجه به این راهنمایی که در دست دارید به مرقس ۱: ۶ - ۴۵ رجوع نموده همان علائم مطالعه را به کار ببرید. برای شروع مطالعه خود علامت (کی) را به کار ببرید و برای این منظور مخصوصاً

مراجعه کنید به آیات (۲۰ و ۲۲ و ۲۷ و ۲۸ و ۳۲ و ۳۶ و ۴۵). حالا که این یک علامت را مورد آزمایش قرار دادید ببینید علائم دیگر مطالعه چه کمکهایی می‌کند. چرا نتیجه این قطعه در آیه (۴۵) به اوج خود می‌رسد؟ چرا یکی از مفسرین درباره این قطعه می‌نویسد این قطعه تصویری است از اینکه «چگونه عیسی طوفان جلیل را تسخیر نمود؟» حالا مرقس ۱: ۱۶ - ۴۵ را از لحاظ ارتباطش با مرقس ۲: ۱ - ۳، ۳: ۶ مورد توجه قرار دهید. آیا اینطور به نظر نمی‌رسد که نقاش ماهری عمداً دو واقعه از حوادثی را که در زندگی مسیح اتفاق افتاده به منظور ارائه دادن دو قسم از تعلیمات مسیح انتخاب کرده و برای رسیدن به هدف معینی آنها را مقابل یکدیگر روی پرده نقاشی قرار داده است؟ این هدف چیست؟ وقتی که نتایج حاصله در هر قطعه را به ترتیب پهلوی یکدیگر قرار دهیم آنها ما را به چه چیز سوق می‌دهند؟

با به کار بردن همین روش نمونه‌های عبرت‌آمیز دیگری را نیز از کتاب مقدس می‌توان مورد مطالعه قرار داد. مثلاً عیناً با همین روش فوق‌الذکر مرقس ۴: ۱ - ۳۴ را خوانده بلافاصله مرقس ۴: ۴۳ - ۵۳ را بخوانید و یا خواننده می‌تواند از هر جایی که میل دارد چنین نمونه‌هایی پیدا کند.

### مهارت لیندبرگ

در یکی از پروازهای ابتدایی چارلز لیندبرگ یکی از اشیای پرقیمتش از هواپیما به زمین افتاد. لیندبرگ متوجه پایین افتادنش شد. دید چه چیزی به زمین افتاده، جایش را نشان کرد و تصمیم گرفت با هواپیمای کوچکتري به همان نقطه پرواز نموده آن را بازیابد. در مراجعت به آسانی می‌توانست شیء را از بالا روی زمین ببیند. سپس در نزدیکی شیء فرود آمد به امید اینکه برود و آن را بردارد، ولی هر چه در میان بوته‌های انبوه گشت نتوانست پیدا کند. در این موقع آزمایش بسیار ساده‌ای را به مرحله اجرا گذاشت. کتش را در آورد و روی بوته‌ای پهن کرد و دوباره پرواز نمود. این دفعه کت به شیء قبلی نزدیکتر شد بود. با تعیین جهت از دو محل نشانه‌گذاری شده بدون معطلی شیء مفقود را بازیافت. همان مهارتی که لیندبرگ در بازیافتن شیء گمشده‌اش به کار برد هر خواننده‌ای هم که در جستجوی پیغام حقیقی قطعه یا کتابی باشد می‌تواند به مورد آزمایش گذارد. درک معنی هر مدرکی موقعی شروع می‌شود که خواننده آن علائم مطالعه موجود را که برای سوق دادن به مرکز افکار و هدایت وی به نظرگاه نویسنده در هر انشایی موجود می‌باشند یافته به همین منظور مورد استعمال قرار دهد. با مراعات روابط مخصوصی که در آن اشخاص، مکان‌ها، زمان‌ها، وقایع، عقاید و... به هم نزدیک می‌شوند تا بر فکر خواننده تأثیر نمایند علاقه وی تمرکز مدار فکری وی از تغییرات فکری نویسنده پیروی می‌کنند. وقتی که استنباط اعمال فکری و قلب بدین ترتیب روشن شد پاداش آن تنویر فکر و تلذذ روح است.

### دو قانون برای خواننده

در خاتمه می‌خواهیم آنچه که درباره روش مطالعه کتاب مقدس ذکر کرده‌ایم در دو قانون مختصر کرده به خوانندگان عزیز خود ارائه دهیم.

**اولی قانون ارتباط است.** هر سخن که نوشته و یا گفته می‌شود دارای رابطه‌ای است با چیز دیگر. این رابطه ممکن است از راه مقابله یا مقایسه، یا تکرار، یا علت و معلول و یا به وسیله نیل به مقصود و یا راه‌های دیگری برقرار شده باشد. پس خواننده باید دائماً مواظب این روابط بوده در پرتو قطعه مورد مطالعه به موجب این روابط پیشرفت فکری نماید.

**دومی قانون تناسب است.** هر منصفی در تصنیف خود نظرگاه خود را به وسیله تأکید یا حذف نسبی بعضی عوامل مانند شخص یا مکان یا زمان یا واقعه یا عقیده و یا عوامل دیگری نظیر اینها که همیشه دلیل بر پیشرفت فکری وی می‌باشد مکشوف می‌سازد. پس خواننده باید از این علائم مطالعه استفاده نماید تا اصولی را که عمل انتخاب در قطعه مورد مطالعه بر آن بنا شده است بدست بیاورد.

### لذت مستقیم

درک لذت مستقیم از کتاب مقدس فنی است که ارزش پروراندن دارد. این فن مستلزم کوشش رهبری شده است. این فن باعث نمو فکری و روحانی می‌گردد. این فن با رضایت متشابه قلب و فکر توأم می‌باشد. آموختن فن گذاشتن

خود در اختیار شاهکارهای بزرگ مانند هر فن دیگر عبارت است از انجام دادن بعضی قوانین فکر. اگر خواننده خود را به این مدارج عادت نداده باشد ممکن است پیروی از این قوانین در ابتدا مشکل به نظر برسد، ولی برد با صبر و سماجت است. در حقیقت هیچ فنی بدون کوشش آموخته نمی‌شود. یکی از بزرگان می‌گوید: «مهارت به درجات عالی هرگز میسر نمی‌شود مگر اینکه شخص در درجات پست‌تر همان فن به طوری استاد شده باشد که انجام آنها بدون فشار فکری صورت گیرد.» خواننده نباید در ابتدا از خودش توقع زیادی داشته باشد مبادا مأیوس شود. از طرف دیگر نباید استعداد خود را ناچیز شمارد مبادا ارزش بی‌بهای اشتغال مستقیم فکر خود را با گنج روحانی بی‌همتایی که ما در کتاب مقدس آن کتاب کتاب‌ها داریم از دست بدهد.

## سؤالات برای دوره و تبادل افکار

### فصل اول

- ۱ - چرا فصل لذت کتاب مقدس بر عده زیادی از مسیحیان بسته است؟
- ۲ - مضرات مطالعه شانسی کتاب مقدس کدامند؟
- ۳ - چرا لازم است که خود کتاب مقدس را بخوانیم حال آنکه این همه کتاب‌های خوب درباره آن نوشته شده‌اند؟
- ۴ - منظور از اینکه خود را در اختیار کتاب مقدس بگذاریم یعنی چه؟
- ۵ - در مزمور ۲۳ چیست که آن را محبوب همه می‌نماید؟ چه چیز آن را محبوب شما می‌کند؟
- ۶ - مهم‌ترین اثری که خواندن حزقیال ۳۴، یوحنا ۱۰ در شما به جا می‌گذارد چیست؟
- ۷ - چرا لازم است که در فکر و یا در جستجوی مهم‌ترین مشخصات قطعه‌ای باشیم؟
- ۸ - چگونه دانیال و بستر مهارت خود را در فن مشاهده بدست آورد؟
- ۹ - هر کس چگونه می‌تواند قوه بیداری خود را در مطالعه کتاب مقدس تقویت دهد؟
- ۱۰ - کتاب مقدس برای شما چه کرده است؟

### فصل دوم

- ۱ - کسب لذت از هر شاهکاری مستلزم به کار بردن چه روشی است؟ چرا؟
- ۲ - مقصود از پذیرش چیست؟
- ۳ - عیسای مسیح چگونه پذیرش را تعلیم داد؟
- ۴ - فکر اسفنج مانند، قیف مانند، صافی مانند و غربال مانند نماینده چه نوع آموزشی هستند؟
- ۵ - شخص چگونه می‌تواند قوه پذیرش خود را مناسب نماید؟
- ۶ - تفاوت بین مضمون، طرح و معنی چیست؟ این تشخیص در مطالعه کتاب مقدس چه اهمیتی دارد؟
- ۷ - تفاوت بین طرح و نقشه چیست؟
- ۸ - چه روابطی ممکن است مصنف در قالب‌ریزی نقشه هر قطعه‌ای به کار ببرد؟
- ۹ - با مراعات رابطه کلمه «لهذا» با تمام قطعه چه تفاوتی در درک مفهوم آیه طلایی حاصل می‌گردد؟
- ۱۰ - مراعات اشارات کدام قطعات دیگر از وعظ بالای کوه آنها را واضح‌تر می‌کند؟
- ۱۱ - چرا آگاهی روحانی شرط لازم است برای لذت بردن از کتاب مقدس؟

### فصل سوم

- ۱ - خواننده از مخبر چه می‌تواند بیاموزد؟
- ۲ - چرا نمی‌توان همه چیز را درباره هر موضوعی ذکر کرد؟
- ۳ - منظور از نظرگاه منصف چیست و چه رابطه‌ای است بین نظرگاه مصنف با آنچه که می‌نویسد؟
- ۴ - اهمیت دانستن امور فن انتخاب و تأکید در خواندن کتاب مقدس چیست؟
- ۵ - علائم مطالعه چیست؟ چرا باید حواس خود را متوجه آنها کنیم؟

- ۶ - به غیر از تأکید بر شخص یا مکان یا زمان یا واقعه یا عقیده چه علائم مطالعه دیگری به نظر شما می‌رسند؟
- ۷ - به کار بردن علائم مطالعه چگونه به لذت بردن از مرقس ۲: ۱ - ۳، ۳: ۶ کمک می‌کند؟ نمونه‌های دیگری پیدا کنید.
- ۸ - لیندبرگ در پیدا کردن شیء گمشده‌اش چه اصول آموزشی به کار برد؟
- ۹ - مقصود از قانون ارتباط چیست؟ آن را حفظ کنید. آن را به کار ببرید.
- ۱۰ - مقصود از قانون تناسب چیست؟ استعمالش کنید.
- ۱۱ - چرا این قبیل مطالعه کتاب مقدس باعث رشد عقلانی و روحانی می‌گردد؟
- ۱۲ - پاداش کوشش درستکارانه در مطالعه کتاب مقدس چیست؟